

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که به اختصار گات (GATT) نامیده می‌شود، قراردادی است بین‌المللی برای گسترش تجارت میان کشورهای عضو. تحولات چشمگیر اقتصاد جهانی را نیز می‌توان پیامد مذاکرات بین‌المللی مربوط به گات دانست. هشتمین دور این مذاکرات که به مذاکرات «دور اروگوئه» معروف شده است به برپایی سازمان جهانی بازرگانی (WTO) انجامید که هر چند پیوندهایی بین GATT و WTO وجود دارد، اما نمی‌توان گفت که WTO همان GATT سابق است، زیرا تفاوت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی بسیار میان GATT و WTO وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. اکنون WTO در صحنه تجارت بین‌المللی اهمیت بسیار دارد، به گونه‌ای که عملکرد آن بر زندگی بیشتر مردمان جهان، از جمله ایرانیان اثر می‌گذارد؛ بنابراین، اینک که بحث پیوستن به این سازمان مطرح است، باید گفت که تصمیم‌گیری در این مورد در گرو شناخت واقعیت‌های اقتصاد ملی، سازوکار و روابط حاکم بر اقتصاد جهانی و اصول و قوانین سازمان جهانی بازرگانی است. در حالت کلی، عضویت در سازمان جهانی بازرگانی مزایایی دارد مانند از میان برداشته شدن موانع تجاری، حرکت به سوی اقتصادی پایدارتر، هماهنگی بیشتر با استانداردها، افزایش تولید و صادرات و...، اما نکته مهم‌تر این است که کشورها چه راهکارهایی باید برگزینند و چه شرایطی بر آنها تحمیل خواهد شد.

پیامدهای پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی

دکتر رضا اکبریان
عضو هیات علمی دانشکده شیراز

مناسب برای توسعه صادرات و پیوستن به اقتصاد جهانی، بیشترین بهره‌ر از تحولات اقتصادی جهان بگیرد.

کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی از کاهش تعرفه‌های یکدیگر بهره‌مندی می‌برند و کشورهای غیر عضو ناچارند، با دادن امتیاز (کاهش تعرفه) محصولات خود را به کشورهایی که با آنها موافقتنامه‌های بازرگانی دارند، صادر کنند. از این رو، بررسی سود و زیانها و نیز بایدها و نبایدهای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی اهمیت بسیار دارد.

بی‌گمان، پیوستن به این سازمان فرآیندی بلندمدت و دشوار است، اما پیش‌بینی می‌شود که در سالهای آینده بیشتر کشورها به این سازمان بزرگ اقتصادی پیوندند و کشورهای غیر عضو توان رقابت و رویارویی با آنها را نداشته باشند. البته طبیعی است که هیچ کشوری در آغاز از مشکلات پیوستن به سازمان برکنار نخواهد بود، اما پیامدهای پیوستن به آن را نیز نباید نادیده گرفت.

کشوری که به سازمان جهانی بازرگانی می‌پیوندد، در واقع می‌خواهد با بهره‌گیری از توانمندیها و مزایای نسبی خود در برخی زمینه‌ها وارد رقابت جهانی شود و در دادوستد بر پایه قوانین و

آزادی تجارت با رقابت آزاد تنه‌آزمایی قابل توجیه است که شرکت کنندگان در تجارت جهانی، از آغاز کار قدرت برابر داشته باشند، زیرا اگر در آغاز کار قدرت‌ها برابر باشند، سود بیشتر به طرف قدرتمند می‌رسد و شکاف و فاصله میان طرفها افزایش می‌یابد؛ اما این گفته بدان معنی نیست که کشورهای در حال توسعه باید خود را در انزوای اقتصادی نگهدارند.

در زمینه پیوستن به WTO باید توجه داشت که بسیاری از کشورهای جهان سوم که بی‌سیاست تجاری مناسب و تجهیز امکانات و منابع داخلی برای توسعه صادرات، به آن سازمان پیوسته‌اند و سیاست آزادسازی تجارت خارجی را در پیش گرفته‌اند، ناکام مانده‌اند. از سوی دیگر، باید دانست که پیوستن کشورهای در حال توسعه به سازمان جهانی بازرگانی نیز موجب مصون ماندن اقتصادشان از تحولات جهانی نخواهد بود و شرایط بین‌المللی خواه ناخواه بر اقتصاد و سیاست این کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، پیش از آنکه عضویت در سازمان جهانی بازرگانی ورو آوردن به سیاست توسعه صادرات یک ضرورت حیاتی شود کشور باید بتواند بر پایه هدفهای بلندمدت اقتصادی و در پیش گرفتن سیاست‌های تجاری و اقتصادی

فرآورده‌های کشاورزی است، پیامد پیوستن ایران بعنوان يك کشور در حال توسعه به سازمان جهانی بازرگانی می‌تواند بسیار با اهمیت باشد.

سوم، از آنجا که انتظار می‌رود در مذاکرات آینده، بخش انرژی در دستور کار قرار گیرد، این موضوع پیامدهای چشمگیری برای آن دسته از کشورهای صادرکننده نفت که به این سازمان می‌پیوندند، خواهد داشت.

برای بهره‌گیری درست از عضویت در سازمان جهانی بازرگانی باید چند نکته را در نظر گرفت. نخست اینکه وضع تولید کشور باید به حدی مطلوب برسد؛ زیرا؛ از بسیاری صنایع، کارخانه‌ها و ماشینها به سبب نبود استراتژی صنعتی مشخص، هیچ‌گاه با ظرفیت کامل استفاده نشده است. بنابراین با تنوین يك استراتژی مشخص، کشور می‌تواند از ظرفیت‌ها بطور کامل استفاده کند. با جهانی شدن اقتصاد، فرایند بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته کشورهای صنعتی شتاب خواهد گرفت و بهینه‌سازی صنایع نوپا، اهمیت بیشتری خواهد یافت. دوم اینکه صادرات کشور باید از قدرت رقابت در جهان برخوردار شود. سوم اینکه برای یافتن امکان رقابت در بازار باید در آن نفوذ کرد. با توجه به اینکه بسیاری از صنایع قدرت رقابت ندارند، برای حضور مؤثر در بازارهای جهانی باید صنایعی را به کار گرفت که بتوانند صادرات داشته باشند. به سخن دیگر، باید کار را از صنایعی آغاز کرد که در آنها مزیت نسبی وجود داشته باشد، از جمله صنایع غذایی که منبع درآمد مهمی در کشور به‌شمار می‌آید. برپایه توافقیهای دوراروگونه، کالاهای کشاورزی در پیمان سازمان جهانی بازرگانی وارد شده است و کشورهای عضو می‌توانند از مزیت‌های آن در صنایع غذایی و کشاورزی بهره‌مند شوند، چون اعضای سازمان جهانی بازرگانی تعرفه‌های ترجیحی دارند و کشورهایی که عضو نیستند برای ورود به بازار مشمول ۷ تا ۱۵ درصد تعرفه می‌شوند.

تحولات ایران و ساختار اقتصادی آن نشان می‌دهد که ایران کشوری مطرح در سطح بین‌المللی است؛ از این رو، مسئله حضور یا عدم حضور در میان نیست، بلکه پرسش این است که به گونه فعال با موضوع برخورد کنیم یا غیر فعال. به

ضوابطی یکسان برای اعضا، فعال باشد. هر کشوری که بتواند از مزیت‌های نسبی خود بهره‌گیرد، هم در بُعد داخلی و هم برای رقابت در چارچوب سازمان جهانی بازرگانی با دشواریهایی رویرو خواهد شد. بنابراین، مهمترین مسئله برای ایران در پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی این است که زمینه‌های بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی فراهم آید. اگر چنین شود، ایران می‌تواند از يك سو اقتصاد خود را به پیش برده و از سوی دیگر زمینه را برای ورود به رقابتها در چارچوب سازمان جهانی بازرگانی آماده کند و دلیلی هم برای نگرانی از پیوستن به آن سازمان نداشته باشد.

ایران از کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت است، اما این منبع در سالهایی که چندان دور به پایان خواهد رسید. گرچه پایین آمدن بهای نفت در گذشته مشکلات زیادی برای کشور به بار آورد، ولی در همان حال فرصت ارزشمندی از جهت افزایش توانمندیها و بهره‌گیری از منابع سرشار و امکانات زیربنایی فراهم ساخت، چون ایران نمی‌تواند و نباید به اقتصاد تک محصولی تکیه کند، بنابراین طبیعی است که از دیدگاه اقتصادی تمهیداتی برای پیوستن به جامعه اقتصاد بین‌المللی اندیشیده شود. در این صورت، ایران خواهد توانست با عضویت در سازمان، از تسهیلات عمومی و شرایط مناسبی که پیش می‌آید برای تقویت اقتصاد خود بهره‌گیرد و با گسترش تجارت و افزایش صادرات، تولید داخلی خود را افزایش دهد.

بررسی موضوع پیوستن کشورهای جهان سوم از جمله ایران به سازمان جهانی بازرگانی از چند جهت اهمیت دارد:

نخست، عضویت در سازمان جهانی بازرگانی به معنی از میان رفتن محدودیت‌های تجاری و در نتیجه آزادی دادوستد کالاهاست و روشن است که این دگرگونی سبب تغییر قیمت‌ها هم برای کشورهای صادرکننده و هم برای کشورهای واردکننده‌ای که به این سازمان می‌پیوندند، خواهد شد.

دوم، چون ایران از يك سو سیاست کاهش وابستگی به صدور نفت و تعدیل اقتصادی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر واردکننده بزرگ

● اقتصاد ایران نیازمند

ارتباطات بین‌المللی است. روند کنونی نشان می‌دهد که جهانی شدن خطرهایی دربر دارد. اکنون مسئله بیشتر کشورهای در حال توسعه این است که کشورهای توسعه یافته آنها را به حاشیه می‌رانند. به حاشیه رانده شدن مایه نگرانی است و باید در برابر آن ایستاد. باید توجه داشت که دگرگونیهای تازه در سطح جهانی يك واقعیت است که روند تکاملی و بلندمدت دارد. از سوی دیگر، ساختار اقتصادی کشور، حضور فعال ایران در مجامع بین‌المللی را می‌طلبد.

هر رو باید دانست که ایران در شمار تماشاجیان نیست و نمی تواند باشد.

امروز اقتصاد ایران نیازمند ارتباطات بین المللی است. روند کنونی نشان می دهد که جهانی شدن خطرهایی در بر دارد. اکنون مسئله بیشتر کشورهای در حال توسعه این است که کشورهای توسعه یافته آنها را به حاشیه می رانند. به حاشیه رانده شدن مایه نگرانی است و باید در برابر آن ایستاد. باید توجه داشت که دگرگونیهای تازه در سطح جهانی يك واقعیت است که روند تکاملی و بلندمدت دارد. از سوی دیگر، ساختار اقتصادی کشور، حضور فعال ایران در مجامع بین المللی را می طلبد.

در این زمینه نکاتی چند باید در نظر گرفته شود:

نخست اینکه، اصل دولت های کامله الوداد از اصول موافقت نامه های GATT است که در WTO نیز اعمال می شود؛ یعنی هر وضعی را که برای پیوستن به WTO می پذیریم، به همه کشورهای تعمیم می دهیم. تا پیش از پیوستن اگر موافقت نامه های ویژه ای داشته باشیم، می توانیم آنها را مشخص و از موارد مستثنی شده در آنها استفاده کنیم زیرا هر امتیاز یا تسهیلاتی که برای عضو WTO قائل می شوند، باید برای همه اعمال کنند. بنابراین، به هنگام پیوستن باید این نکته در پروتکل آورده شود که تعرفه ها به تدریج کاهش می یابد.

نکته دیگر، حمایت از صنایع نوزاد است. پیوستن به WTO تضادی با حمایت از صنایع نوزاد ندارد، اما باید دانست که میان صنعت نوزاد و صنعت معلول تفاوت بسیار است. از این رو، باید واقع گرایانه عمل کنیم و بر حمایت از صنایعی که در آنها مزیت نسبی نداریم اصرار نوزیم و آنها را کنار بگذاریم.

در مورد یارانه ها نیز به هر کشور اجازه داده می شود که یارانه هایش را به تدریج هدفمند سازد. در این مورد هم باید سیاستی روشن داشته باشیم. مهمتر آنکه رژیم تجاری باید به گونه ای تنظیم شود که بتوانیم از همه مستثنیات بهره گیری کنیم. سقف تعرفه ها نیز باید چنان باشد که در آینده بتوانیم آن را آوریم.

در این راستا ایران باید دست به يك رشته

اقدامات کلی و جانبی و نیز اقدامات ویژه بزند. اقدامات کلی هم اکنون در حال انجام شدن است. در برنامه سوم برخی کارها به این شرح مطرح شده است: در فصل اول قانون برنامه سوم، اصلاح ساختار مدیریت؛ در فصل دوم، سامان دهی اقتصاد؛ در فصل سوم، واگذاری سهام؛ در فصل چهارم، رقابتی کردن فعالیت های اقتصادی؛ در فصل پنجم، تأمین اجتماعی و هدفمند کردن یارانه ها؛ در فصل دهم، بازارهای مالی؛ و در فصل چهاردهم شیوه اعمال تجارت خارجی. این کارها و برنامه ها از جمله امور زیربنایی است که به اصلاح ساختار اقتصادی کمک می کند.

در مورد اقدامات ویژه باید توجه داشت که برای پیوستن به WTO گذشته از اینکه ساختار رقابتی مورد نیاز است، باید استراتژی روشن داشته باشیم. استراتژی یعنی راهبردی که بگوید اقتصاد ایران ۲۰ سال دیگر چگونه و کجا باشد. اگر استراتژی نداشته باشیم، نمی توانیم سقف تعرفه ای را مشخص کنیم.

تحولات اخیر در عرصه بین الملل به گونه ای است که باید در برنامه ریزی اقتصادی به دو ابتکار دست بزیم:

۱- از برنامه ریزی تلفیقی به برنامه ریزی آمایشی تغییر جهت دهیم.

۲- استراتژی اقتصادی بلندمدت ۲۰ ساله داشته باشیم.

در تنظیم استراتژی مورد نظر باید نکاتی چند رعایت شود:

نخست، این استراتژی باید مبتنی بر شرایط ویژه اقتصادی ایران باشد، زیرا نسخه واحدی برای همه کشورهای وجود ندارد؛ دوم، باید زمان، سرعت و اولویت اقدامات به گونه مشخص تعیین شود؛ سوم، در استراتژی الحاق، باید نخست راه منطقه گرایی در پیش گیریم و کار را با تعامل بیشتر با کشورهای پیرامون مانند کشورهای آسیای میانه، حوزه خلیج فارس و «دی ۸» آغاز کنیم. به سخن دیگر، نخست آمادگی لازم به دست آوریم و سپس به سازمان جهانی بازرگانی بپیونددیم.

برای ارائه يك تحلیل تصمیم ساز در مورد پیوستن ایران به WTO و پیامدهای آن باید موارد مربوط به آن را دسته بندی کرد. روشن است که

● پیوستن به WTO

برای ایران پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت خواهد داشت. پیامدهای کوتاه مدت بیشتر سیاسی و پیامدهای بلندمدت اقتصادی است. از سوی دیگر، می دانیم که اقتصاد ایران به اصلاحات بسیار نیاز دارد؛ اما تأکید اساسی از دیدگاه تصمیم سازی است؛ بنابراین، در آغاز کار باید برای رسیدن به آمادگی و یافتن توانایی انطباق با این سیستم کوشید و با توجه به پیچیدگی فرایند الحاق، بهتر است وارد فرایندی شویم که سرآغاز آن گفتگوست.

آمریکا در سال ۱۹۹۷، به تنهایی برابر کل تولید ملی سنگاپور بوده است.

پیوستن به WTO، به توسعه صادرات کشور بسیار کمک می‌کند. بیشترین اقلام صادراتی ایران در سالهای ۷۸ و ۷۹ از جهت وزن و ارزش، گلیم و زیلو و کمترین اقلام به لحاظ ارزش و وزن در سال ۷۹ انواع خاتم و در سال ۷۸ فیروزه و سنگهای قیمتی بوده است.

از این موارد می‌توان دریافت که رشد همه‌جانبه محصولات کشور در گرو صادرات است و البته خریداران مناسب هم برای کالاهای صادراتی وجود دارد. گذشته از موانع و راهکارهای بیان شده در خصوص صدور فرآورده‌های صنایع دستی و دیگر صنایع کشور، مجموعه مصوبات دولت در زمینه ارتباط تجاری با دیگر کشورها از اهمیت ویژه برخوردار است. بر سر هم، وضع اقتصادی کشور نشانگر آن است که پیوستن به WTO، و در کوتاه مدت بستن قراردادهای منطقه‌ای و پیمانهای تجاری چندگانه مهمترین عامل توسعه صادرات کشور خواهد بود. صدور فرآورده‌های صنایع دستی کشور نیز همچنان رو به رشد است. پس از حذف پیمان سیاری ارزی، اقلام هنری و دستی با رویکرد خاص صادر کنندگان به این مقوله در سالهای اخیر بیش از پیش رشد نشان می‌دهد. آنچه با عنوان فرآورده‌های صنایع دستی صادر می‌شود، ترکیبی است از انواع و اقسام کالاهای دست‌ساز، اما گمرک جمهوری اسلامی ایران تنها برای ۴ ردیف از این کالاها شامل گلیم، زیلو، پارچه قلمکار، انواع خاتم و فیروزه و سنگهای قیمتی تعرفه جداگانه تعیین کرده است و در مورد دیگر اقلام که حجم آنها گاه بیش از یکی از این چهار گونه فرآورده‌ها است، تعرفه فرعی تعیین نشده است.

فرآورده‌های صنایع دستی صادر شده در سال ۷۹ چه از لحاظ ارزش و چه وزن رشد چشمگیر داشته است، اما ارزش اقلام صادر شده ۲۵/۵ درصد بیش از وزن این محصولات، رشد نشان می‌دهد.

پیوستن به WTO موجب افزایش به کارگیری تکنولوژی پیشرفته، رقابت پذیری، افزایش کارایی عوامل تولید، دسترسی به بازارهای بیشتر، افزایش سطح درآمد و رفاه در بخش کشاورزی و بهبود

پیوستن به WTO برای ایران پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت خواهد داشت. پیامدهای کوتاه مدت بیشتر سیاسی و پیامدهای بلندمدت اقتصادی است. از سوی دیگر، می‌دانیم که اقتصاد ایران به اصلاحات بسیار نیاز دارد؛ اما تأکید اساسی از دیدگاه تصمیم سازی است؛ بنابراین، در آغاز کار باید برای رسیدن به آمادگی و یافتن توانایی انطباق با این سیستم کوشید و با توجه به پیچیدگی فرایند الحاق، بهتر است وارد فرایندی شویم که سر آغاز آن گفتگو است و این گفتگو هیچ تهدیدی برای ما پدید نمی‌آورد.

همگام با پیگیری گفتگوها در خارج، در داخل باید زمینه رقابت میان بخش های گوناگون اقتصاد، از جمله بخش کشاورزی و بخش صنعت، به درستی فراهم شود چون اگر رقابت در کار نباشد، کیفیت کالاها بهبود نخواهد یافت.

تعیین و تبیین جایگاه کشور در چرخه اقتصاد و تولید جهانی يك ضرورت گریزناپذیر است. در ایران بخش کشاورزی از بخش هایی است که می‌توان بر آن تکیه کرد. در بخش صنعت نیز صنایع پتروشیمی و الکترونیک میدان بروز توانمندیهای بسیار است. این در حالی است که قدرت تحمل ریسک در کشور باید بالا باشد و افزون بر این، نیروهای کار آزموده در این زمینه‌ها پرورش یابند. برای رهایی از اقتصاد تک محصولی متکی به نفت، در ۲۵ سال آینده باید صادرات غیر نفتی از ۱۰ تا ۱۴ درصد رشد داشته باشد و این مسئله کم‌اهمیتی نیست. اگر بخواهیم در ۲۰ سال آینده به اشتغال کامل برسیم، باید هر سال از ۹۸۰ تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار شغل جدید ایجاد کنیم و البته باید به سوی کارهای تولیدی برویم.

با توجه به تضادها در درون سیستم اقتصاد جهانی، شناخت کامل توانمندیها و تضادهای این سیستم، ابزار دستیابی به موفقیت است. نقش شرکت‌های بزرگ در اداره اقتصاد جهان رو به افزایش است؛ به گونه‌ای که ۲۰۰ شرکت بزرگ ۲۸ درصد فعالیت‌های اقتصادی جهان و ۵۰۰ شرکت بزرگ ۷۰ درصد تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و هزار شرکت بزرگ ۸۰ درصد تولیدات صنعتی جهان را در دست دارند. برای نمونه، تولید کارخانه اتومبیل سازی جنرال موتورز

● موفقیت یا شکست

کشورها در پیوستن به WTO به عواملی چند بستگی دارد که مهمترین آنها وجود مزیت نسبی در تولید بخش‌ها (کشاورزی و صنعت)، بهره‌برداری از تکنولوژی پیشرفته، کاهش هزینه‌های تولید، انعطاف پذیری و داشتن صادرات متنوع، همخوان با استانداردهای بین‌المللی است.

کل اقتصاد خواهد شد.

بخش با کاهش روبه‌رو شد.

● در بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های شغلی تازه در مقایسه با دیگر بخش‌ها با سرمایه‌گذاری کمتر امکان‌پذیر است. مبلغ سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک شغل در بخش کشاورزی کمتر از ۸۳ درصد سرمایه‌گذاری در بخش صنعت است. در نتیجه، تنوع بخشیدن به مشاغل در زمینه‌های مرتبط با کشاورزی، مانند صنایع فرآوری و بسته‌بندی در مناطق روستایی، برای جذب بیکاران راهگشا است.

● مطالعه تجربی در زمینه کالاهای اساسی کشاورزی نشان می‌دهد که نرخ‌های تعرفه، اثری معنی‌دار بر ورود و صدور اقلام اساسی کشاورزی (به استثنای برنج) نداشته است و چنین می‌نماید که واردات کالاهای کشاورزی بیشتر از مجوزها و موانع غیر تعرفه‌ای اثرپذیرفته است تا نرخ‌های تعرفه.

● موفقیت یا شکست کشورها در پیوستن به WTO به عواملی چند بستگی دارد که مهمترین آنها وجود مزیت نسبی در تولید بخش‌ها (کشاورزی و صنعت)، بهره‌برداری از تکنولوژی پیشرفته، کاهش هزینه‌های تولید، انعطاف‌پذیری و داشتن صادرات متنوع، همخوان با استانداردهای بین‌المللی است.

پیوستن ایران به WTO، راهگشای دسترسی به بازارهای صادراتی و نیز امکانات بیشتر برای عرضه محصولات کشاورزی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

امروزه بخش بازرگانی خارجی بعنوان یکی از مؤلفه‌ها در نظام‌های اقتصادی مطرح است و با گسترش تکنولوژی و گوناگونی کالاهای تولیدی در جهان، روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. گذشته از پاره‌ای استثنایها و دشواریها، تجربه نشان می‌دهد که حضور در بازارهای جهانی و بهره‌گیری از مزیت‌های بازرگانی خارجی در چند دهه اخیر راهگشای توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است.

در ایران، به سبب دسترسی به منابع ارزی ناشی از صدور نفت، بخش بازرگانی خارجی متناسب با

در یک جمع‌بندی می‌توان مزایا و چالش‌های کشاورزی ایران را در زمینه پیوستن به WTO را چنین خلاصه کرد:

● از مشکلات بخش کشاورزی، در صورت پیوستن ایران به WTO، لزوم در پیش گرفتن سیاست‌های تجاری و شیوه‌های حمایتی یکسان است. در نتیجه، تنها به کار گرفتن تعرفه‌ها - بعنوان ابزار حمایت تجاری - مجاز خواهد بود و هرگونه حمایت از تولیدات داخلی باید به صورت شفاف و در قالب تعرفه باشد و به کارگیری دیگر ابزارهای حمایتی ممنوع است. در ایران، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، بر پایه مصوبات شورای اقتصاد، مکلف به پرداخت یارانه کالاهای اساسی است و این، با اصول WTO مغایرت دارد.

● برای وارد شدن به بازارهای آزاد جهان، بخش کشاورزی باید به کشت تجاری گرایش یابد. به همین دلیل WTO فرصت‌ها و امکانات مساعدی برای کشورهای در حال توسعه به منظور تجدید ساختار تولید و تجاری کردن کشت، پیش‌بینی کرده است.

● از مزیت‌های بخش کشاورزی ایران، داشتن استقلال نسبی و کمترین وابستگی به منابع ارزی است؛ چنانکه بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش‌ها، از جمله صنعت، ارزش کمتری و ارزآوری بیشتر داشته است. تزریق درآمد نفت به اقتصاد هر سال زمینه‌ساز پدید آمدن رانت در بخش‌هایی شده است که نیاز ارزی دارند، و در بخش کشاورزی، در مقایسه با دیگر بخش‌ها، رانت‌های اقتصادی کمتر است.

در این زمینه هم WTO بر از میان رفتن تبعیض، شفافیت برنامه‌های دولت، کاهش یارانه‌ها (آشکار و پنهان) و زدودن آثار منفی رانت‌های اقتصادی تأکید دارد.

● کشاورزی در طول برنامه اول توسعه از بخش‌های به نسبت موفق در زمینه صادرات غیر نفتی بوده است.

فرآورده‌های کشاورزی صادر شده در آن سالها بیش از هدفهای پیش‌بینی شده بود، ولی در سایه اجرای سیاست‌های مربوط به نرخ ارز و برقراری پیمان ارزی در سال‌های ۷۴-۷۸، صادرات این

● در ایران، به سبب دسترسی به منابع ارزی ناشی از صدور نفت، بخش بازرگانی خارجی متناسب با نیازهای زمان توسعه نیافته و در نتیجه مشکلات گوناگون برای کشور پدید آمده است. گسترش این مشکلات و کاهش احتمالی درآمدهای ارزی نفت در آینده، اهمیت بخش بازرگانی خارجی و ضرورت حضور در بازارهای جهانی را برجسته‌تر می‌سازد. بنابراین، افزایش تولید، بالا بردن توان صادراتی و رقابتی در سطح جهان و بهره‌مندی از تسهیلات سازمان جهانی بازرگانی بعنوان یک ضرورت مطرح است.

وجود ندارد و هر دو کشور می‌توانند از وحدت رویه بر پایه مقررات و ضوابط سازمان بهره‌گیرند و در پرتو سیاست‌های واقع‌گرایانه و استراتژیک اقتصادی و تجاری، منافع خود را پی‌گیری کنند.

به هر رو، بررسی پیامدهای پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی و برآورد سودها و زیانهای این کار، ضرورت دارد. اما اگر به این نتیجه برسیم که باید حضور فعالتری در صحنه اقتصاد جهانی داشته باشیم، در آن صورت برای کاهش زیانهای عضویت در سازمان باید گام‌های عملی برداشته شود. نخستین اقدام نیز این خواهد بود که برای عضویت، پروتکلی دقیق و سنجیده تنظیم شود، به گونه‌ای که هم گویای حقوقی باشد که برای تولید داخلی لازم است و هم مواردی که با قانون اساسی مغایرت دارد در آن لحاظ شده باشد.

منابع:

الف) منابع فرانسه:

1. Fontanel J Organisation Economique Internationale Masson, 1995.
2. Blanche. t. Je le Fevre, "PAC, GATT, OMC" Editison Agricole, 1995.
3. Mucchielli J. L, et Celimene, f, "Mondialisation et Regionalisation" Economica, 1993.

ب) منبع انگلیسی:

1. Kushi, M., "Developing Countries and The Uruguay Round", Law and State, 1993.

پ) منابع فارسی:

۱. کروگمن، پل. ر.، سیاست استراتژیک تجاری و اقتصاد بین‌الملل جدید، ترجمه گروه مترجمان، مؤسسه مطالعات ویژه بازرگانی، ۱۳۷۸.
۲. نادری، ابوالقاسم، مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران، مؤسسه مطالعات ویژه بازرگانی، ۱۳۷۳.

نیازهای زمان توسعه نیافته و در نتیجه مشکلات گوناگون برای کشور پدید آمده است. گسترش این مشکلات و کاهش احتمالی درآمدهای ارزی نفت در آینده، اهمیت بخش بازرگانی خارجی و ضرورت حضور در بازارهای جهانی را برجسته‌تر می‌سازد. بنابراین، افزایش تولید، بالا بردن توان صادراتی و رقابتی در سطح جهان و بهره‌مندی از تسهیلات سازمان جهانی بازرگانی بعنوان یک ضرورت مطرح است.

و اما مسائل مهمی را که برای هر کشور پیش از پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی مطرح است، به این شرح می‌توان برشمرد: نخست، باید توان کشور در صدور کالا و ورود به بازارهای جهانی در نظر گرفته شود؛ دوم، مشخص شود که کشور در چه زمینه‌هایی مزیت نسبی و چه کالاهایی برای صدور دارد؛ سوم، معلوم شود که این کالاها را به کدام بازار یا کدام کشور می‌خواهد صادر کند. در مورد کشورهایی که به سازمان جهانی بازرگانی می‌پیوندند، می‌توان سه فرض را مطرح کرد:

نخست، کشور صادرکننده و نیز کشور واردکننده، عضو سازمان نباشند. در این صورت، هر دو کشور باید از بسیاری بازارها در کشورهای که به این سازمان پیوسته‌اند، چشم‌پوشند و بازارهایشان محدود خواهد شد. دوم، کشور صادرکننده عضو نباشد، ولی کشوری که می‌خواهد کالا وارد کند، عضو سازمان باشد. در این حالت نیز مشکلات بسیار پیش می‌آید. بنابراین، برای ورود به بازارها باید توافقهایی صورت پذیرد تا صادر و وارد کردن کالا به آسانی انجام شود. سوم، هم کشور صادرکننده و هم کشور واردکننده عضو سازمان جهانی بازرگانی باشند. در این صورت، مشکلی برای صادرات و واردات

● پیوستن به WTO
تضادی با حمایت از صنایع
نوزاد ندارد، اما باید دانست
که میان صنعت نوزاد و
صنعت معلول تفاوت
بسیار است. از این رو، باید
واقع‌گرایانه عمل کنیم و بر
حمایت از صنایعی که در
آنها مزیت نسبی نداریم
اصرار نورزیم و آنها را کنار
بگذاریم.